

به جای خبر

جلوگیری از ورود خبرنگار شرق به افتتاحیه صندوق مهر رضا

شرق : محمود احمدی نژاد دیروز به سالن اجلاس سران رفت تا صندوق مهر امام‌رضاع) را افتتاح کند . صندوقی که اولین برنامه عملی رئیس‌جمهور درخصوص تحقق شعارهایش محسوب می‌شود. اما برخلاف انجام هماهنگی‌های لازم از ورود خبرنگاران ممانعت شد. روز یکشنبه براساس دعوتنامه سیدمحمد سیدحسینی مدیر روابط عمومی صندوق مهر امام‌رضاع)، خبرنگار شرق زودتر از ساعت اعلام شده هشت و سی دقیقه به محل اجلاس رسید. بنا بر متن نامه، نام خبرنگار روز نوزدهم تیرماه با شماره تلفن‌های اعلام شده هماهنگ شده بود، اما در کمال تعجب از ورود خبرنگار شرق جلوگیری شد. مامورین مستقر در پایین سالن می‌گفتند خبرنگاران باید از در بالا وارد شوند. در مقابل در بالا اما کارت ورود صادر شده به‌نام خبرنگار را طلب می‌کردند که قبلاً صادر نشده بود. نهایتاً آقای خوش‌باشی به‌عنوان مسئول معرفی شد. خوش‌باشی برای راهنمایی خبرنگار حتی دقیقه‌ای صبر نکرد، همان‌طور که راه می‌رفت گفت: «با خانم حیدری هماهنگ کنید.» خانم حیدری که همچون همکارش از صندوق مهررضاع) آمده و در کنار در سالن مستقر بود خیلی خونسرد به فکس ارسالی خودشان برای روزنامه شرق نگاه کرد و گفت: «منظور ما این بود که اسامتان را فکس کنید. همکاران ما اشتباه کردند به شما نگفتند به هر حال نمی‌توانید وارد شوید.» خانم حیدری هم پشت کرد و رفت. به این ترتیب خبرنگار شرق از مراسم افتتاحیه مهررضاع) رانده شد. طبیعی است به دلیل عدم حضور خبرنگار شرق امکان گزارش مراسم افتتاحیه منتفی است. امیدواریم مسئولان محترم نهاد ریاست‌جمهوری و البته مسئولین صندوق مهررضا نسبت به این برخورد نامناسب حساس باشند و پاسخ مقتضی را ارائه فرمایند.

خبر

کلاس‌های «اقتصاد سیاسی» علوی تبار
شرق : اولین جلسه کلاس‌های «تبیین خط‌مشی‌گذاری در ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی» امروز در دانشگاه اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی برگزار خواهد شد. در این کلاس‌ها هر دوشنبه از ساعت ۱۶ الی ۱۸ دکتر علیرضا علوی تبار به تدریس خواهد پرداخت. این دوره توسط دفتر مطالعات و تحقیقات دانشجویان این دانشکده ترتیب یافته و محل کلاس در ساختمان دانشکده واقع در خیابان شهید بهشتی، نش احمد قصیر خواهد بود.

رتبه ناوگان کشتیرانی ایران صعود کرد

براساس گزارش سالیانه تفاهنامه پاریس (PARIS MOU) جایگاه ناوگان دریای جمهوری اسلامی ایران با شش رتبه ارتقا، به ردیف بیستم لیست خاکستری تفاهنامه پاریس صعود کرد. به گزارش روابط عمومی سازمان بنادر و کشتیرانی، سیدمسبح مومنی عضو هیات عامل و معاون امور دریایی سازمان بنادر و کشتیرانی با اعلام این خبر اظهار داشت: ارتقای جایگاه ناوگان کشتیرانی ایران در تفاهنامه پاریس برای اولین سال پناهی نشانگر اعتبار ناوگان دریایی ایران و موهون تلاش مجدانه بازرسان کنترل و بازرسی کشتی‌ها در بنادر کشور و تشریک مساعی شرکت‌های حمل و نقل دریایی ایران و سازمان بنادر و کشتیرانی در جهت ارتقای سطح استانداردهای فنی و ایمنی بر روی کشتی‌های تحت پرچم ایران است.

خرید گاز از ایران با قیمت بالا

ایسنا : ایران تقاضای هند در خصوص بهای گاز معادل قراردادهای بین‌المللی بلندمدت را برای گاز انتقالی از خط لوله ایران – پاکستان – هند نپذیرفت و اعلام کرد که دهلی نو باید خرید گاز ایران با قیمت پایین‌ر فراموش کند.
خبرگزاری PTI با اعلام این مطلب نوشت: تهران اصرار دارد که گاز خود را به قیمت ۷/۲ میلیون دلار در هر BTU (واحد گرمایی انگلیس) از طریق خط لوله صلح به پاکستان و هند به فروش برساند و این درحالی‌است که دهلی نو تمایل دارد برای هر میلیون واحد گرمایی انگلیس گاز که هر مرز خود تحویل می‌گیرد ۴/۲ دلار پرداخت کند.
سید کاظم وزیری هانامه – وزیر نفت ایران – در آستانه نشست وزیران نفت ایران، هند و پاکستان که سوم و چهارم اوت (۱۲ و ۱۳ مرداد) در دهلی نو برگزار خواهد شد، پیشنهاد هند را به پایه قیمت‌های یارانه‌ای داخل خواند و گفت که تهران گاز خود را با قیمت پیشنهادی هند نخواهد فروخت.

بهره‌برداری از میان‌گذر دریاجه ارومیه
ایسنا : محمد رحمتی در جریان بازدید از مراحل اجرایی پل میان‌گذر دریاجه ارومیه که با حضور استاندار آذربایجان غربی، رئیس‌کمیسوین عمران مجلس شورای اسلامی و جمعی طرح صورت گرفت: گفت: برای بهره‌برداری به موقع از این میان‌گذر باید برنامه‌های اجرایی به صورت روزانه برنامه‌ریزی شود.

وزیر جهاد کشاورزی در سازمان عشایر

فارس : وزیر جهاد کشاورزی از سازمان امور عشایر ایران به طور سرزده بازدید کرد.
محمدرضا اسکندری در سالروز فرخنده میلاد حضرت فاطمه زهرا(س) به طور سرزده از سازمان امور عشایر ایران بازدید کرد.
وزیر جهاد کشاورزی که روزگاری رئیس سازمان عشایر بوده، از نزدیک با کارکنان این سازمان دیدار و گفت‌وگو کرد و در جریان وضعیت طرح‌های اجرایی این سازمان قرار گرفت.

اقتصاد ایران

محسن رضایی در گفت‌وگو با شرق خبر داد

واگذاری فعالیت‌های اقتصادی سپاه به بخش خصوصی



محسن رضایی

قابل ملاحظه است. شما حتماً در این اواخر مشاجرات بین اقتصاددانان را درباره کاهش نرخ سود بانکی مشاهده کرده‌اید و استدلال‌های مختلفی را در مورد کاهش یا عدم کاهش نرخ سود بانکی دیده‌اید و به هر حال پارادوکسی در این میان وجود داشت. این پارادوکس با گسترش بازار

سهام حل می‌شود چرا که گسترش بازار سهام بخش زیادی از نقدینگی جامعه را جذب خواهد کرد و همزمان تورم را پایین می‌آورد. اگر در چنین اقتصادی همزمان نرخ سود بانکی هم کاهش پیدا کند، مشکل پیش نمی‌آید یعنی پارادوکس میان تورم و نرخ بانکی توسط گسترش بازار سرمایه حل خواهد شد.

مسئله دوم این است که بازار سرمایه ایران بزرگ خواهد شد و یکی از چند بازار بزرگ سرمایه منطقه خواهد شد.

وقتی بازار سرمایه بزرگ شود اقتصاد ایران ساختار واقعی خودش را پیدا می‌کند و از حالت زیرزمینی خارج می‌شود.

■ **در حال حاضر ابهامی که وجود دارد این است که ۹۶ هزار میلیارد تومانی که به آن اشاره شده چگونه واگذار می‌شود؟** کارنامه ۱۴ ساله خصوصی سازی نشان می‌دهد

که کمتر از ۲ هزار میلیارد تومان سهام واگذار شده است. با این حجم بالا و در شرایطی که بورس هم وضعیت خوبی ندارد و کوچک است چه تدابیری اندیشیده شده است تا روند واگذاری‌ها تسریع شود؟

۱- نگرانی من این است که پیام ابلاغیه اصل ۴۴ به مردم و نخبگان به خوبی منتقل نشود و هر کسی با ذهنیات خودش تفسیری بر روی مسئله بگذارد.
۲- تمرکز صرف بر روی بند ج ممکن است انحرافی در کل سیاست‌ها به وجود بیاورد. مثلاً اگر به بند ج عمل بشود ولی به بند الف که بسترسازی است توجه نشود ممکن است خصوصی سازی بیش از آنکه اثر مثبت داشته باشد اثر منفی به همراه داشته باشد و نگرانی‌های مردم را هم تشدید کند.

۳- کایه فعالیت‌های غیرنظامی نیروهای مسلح براساس تصویب مقام رهبری و با مجوز فرمانده کل قوا می‌تواند خصوصی شود.

۱- نگرانی من این است که پیام ابلاغیه اصل ۴۴ به مردم و نخبگان به خوبی منتقل نشود و هر کسی با ذهنیات خودش تفسیری بر روی مسئله بگذارد.
۲- تمرکز صرف بر روی بند ج ممکن است انحرافی در کل سیاست‌ها به وجود بیاورد. مثلاً اگر به بند ج عمل بشود ولی به بند الف که بسترسازی است توجه نشود ممکن است خصوصی سازی بیش از آنکه اثر مثبت داشته باشد اثر منفی به همراه داشته باشد و نگرانی‌های مردم را هم تشدید کند.

۳- کایه فعالیت‌های غیرنظامی نیروهای مسلح براساس تصویب مقام رهبری و با مجوز فرمانده کل قوا می‌تواند خصوصی شود.

۱- نگرانی من این است که پیام ابلاغیه اصل ۴۴ به مردم و نخبگان به خوبی منتقل نشود و هر کسی با ذهنیات خودش تفسیری بر روی مسئله بگذارد.
۲- تمرکز صرف بر روی بند ج ممکن است انحرافی در کل سیاست‌ها به وجود بیاورد. مثلاً اگر به بند ج عمل بشود ولی به بند الف که بسترسازی است توجه نشود ممکن است خصوصی سازی بیش از آنکه اثر مثبت داشته باشد اثر منفی به همراه داشته باشد و نگرانی‌های مردم را هم تشدید کند.

دولت نمی‌تواند تاجر خوبی باشد، کارخانجات را به درستی اداره کند، مدیریت‌ها ضعیف هستند و بهره‌ورشی پایین است و با اجرای بند ج نقش دولت در اقتصاد ملی اصلاح می‌شود یعنی دولت به جایگاه خودش بازمی‌گردد و مسئولیت سیاست‌گذاری، نظارت، هدایت و حمایت از اقتصاد را جدی خواهد گرفت و تمرکزش بر روی این مسائل بیشتر خواهد شد. بنابراین دولت از اقتصاد خارج نمی‌شود، اما جنس این دخالت تغییر خواهد کرد.
■ **توجه به اینکه دولت همچنان ۲۰ درصد مالکیت این بنگاه‌ها را برعهده خواهد داشت و بحث تصدی‌گری دولت از بین نخواهد رفت، فکر می‌کنید باز هم می‌توان انتظار داشت که دولت در جایگاه نظارتی قرار گیرد؟**
وقتی ۸۰ درصد سهام کارخانجات دولتی واگذار شود چهارپنجم تصمیم‌گیری برعهده مردم خواهد بود. از ۲۰ درصد سهم دولت مردم حمایت می‌کنند چرا که مردم می‌گویند اگر در کارخانجاتی مالک اصلی آن هستند دولت هم حضور داشته باشد اطمینان و آرامش آنها بیشتر خواهد بود. در حقیقت با حضور دولت ریسک سرمایه‌گذاری پایین خواهد آمد.
به هر حال من فکر می‌کنم مجموعه بحث چشم‌انداز و سیاست‌های اصل ۴۴ یک انقلاب اقتصادی را در کشور ما رقم خواهد زد.

حالا پیامد‌های این کار هم در کلان و هم در خرد

را طی یک برنامه پنج ساله واگذار کند و دیگری هم آزادسازی اقتصادی را انجام دهد.

اگر دولت بنگاه جدیدی خارج از اصل ۴۴ ایجاد کند، تخلف کرده است، اما باید بر روی این قضیه نظارت باشد.

■ **این نظارت از طرف چه ارگانی انجام می‌شود؟**

نظارت از طرف مجمع تشخیص صورت می‌گیرد و از طرف مجمع امسال این نظارت را شروع می‌کنیم.

بخش دوم بند الف هم بسیار مهم است و آن آزادسازی اقتصادی است که یک بحث جدی در سطح کشورهای توسعه‌یافته است. آزادسازی با خصوصی سازی متفاوت است. فرق این دو در این است که در خصوصی سازی یک‌سری شرکت‌های دولتی را در اختیار بخش خصوصی قرار می‌دهید. اما در آزادسازی بحث این است که بخش خصوصی و تعاونی می‌توانند در تمام عرصه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی شرکت کنند. مثلاً در مسئله فولاد ممکن است فولاد مبارکه و ذوب‌آهن خصوصی شوند اما در آزادسازی ممکن است بخش خصوصی بتواند بیش از ۴۰ تا ۵۰ کارخانه بزرگ فولاد بسازد.

بند ب هم تقویت تعاونی‌ها است که روی آن هم کار زیادی نشد. ما مدل‌های جدیدی را در اقتصاد ملی ایران تعریف کردیم. به این صورت که در ایران دو نوع تعاونی خواهیم داشت: یکی تعاونی‌های متعارف است و دیگری تعاونی‌های سهامی عام. یعنی در واقع مدلی در ایران ساخته می‌شود که ترکیبی بین تعاونی‌ها و شرکت‌های سهامی عام است که اسم این را تعاونی سهامی عام گذاشته‌ایم. حسن این تعاونی این است که در عین حال که قوانین و مقررات تعاونی‌ها بر آنها حاکم است، اما محدودیت سهام در آن برداشته شده است. یعنی محدودیت یک نفر، یک رای را برداشته‌ایم و برای آن سقف بیشتری تعیین کرده‌ایم. هر نفر می‌تواند بیش از یک رای داشته باشد اما به هر حال سقفی خواهد داشت. ■ **از این ابتکار استقابلی هم صورت گرفت؟**

وزارت تعاون به دنبال این است که اساستنامه این تعاونی‌ها را در بیاورد و کار شروع شود اما به هر حال باید پیگیری و نظارت صورت بگیرد.

حالا بایبیم بر روی سیاست‌های کلی. در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ در بند الف دو اقدام انجام شده است؛ یکی محدود کردن دولت و دیگری آزادسازی اقتصادی است. محدود کردن دولت یعنی اینکه دولت موظف شده طی برنامه پنج ساله چهارم و هر سال ۲۰ درصد کلیه فعالیت‌ها و بنگاه‌های خارج از اصل ۴۴ را واگذار کند چون دولت دو نوع دخالت را طی ۲۷ سال گذشته انجام داده است، یکی اینکه خارج از اصل ۴۴ عمل کرده است. مثلاً تعداد زیادی باشگاه‌های ورزشی دولتی تشکیل شده یا اگر خصوصی بوده دولتی شده. باشگاه پرسپولیس و استقلال و اکثر باشگاه‌های ورزشی دولتی هستند. اتفاقاً یکی از مشکلات جدی فوتبال کشور ما هم این است که این باشگاه‌ها مدتی خصوصی ندارند که براساس بهروری و کارآمدی کارشان

را پیش ببرند و همچنین کارخانجات و بنگاه‌هایی که دولت خارج از اصل ۴۴ آنها را شکل داده است. حتی پیمانکارهایی دولتی درست شده است. در مورد نیروهای مسلح، در سپاه و در ارتش ظرفیت‌هایی را درست کردند که این ظرفیت‌ها در شرایط صلح طبق قانون اساسی کسک دولت شتابند. تمام اینها می‌توانند در بحث خصوصی سازی مورد بحث قرار بگیرد. پس در حقیقت بند الف این را می‌گوید که تمام فعالیت‌هایی که خارج از اصل ۴۴ بوده است واگذار شود.

■ **یعنی فعالیت‌های اقتصادی نیروهای مسلح کاهش پیدا خواهد کرد؟**

کلیه فعالیت‌های غیرنظامی نیروهای مسلح با تصویب مقام معظم رهبری و مجوز فرمانده کل قوا می‌تواند طبق بند ج سیاست‌های کلی اصل ۴۴ واگذار شود.

■ **با ابلاغیه اخیر سرنوشت قراردادهایی که با سپاه در حوزه نفت منعقد شده به کجا خواهد انجامید؟**

در بحث نفت و گاز از شرکت‌های خارجی گرفته تا داخلی و تا سپاه مشارکت دارند. طبق بند ج بنگاه‌های دولتی از جمله نیروهای مسلح که متکی به آن قرارداده‌ا هستند می‌تواند واگذار شوند مثلاً یک سری بنگاه‌ها در حوزه مهندسی نیروهای مسلح قرار دارند. اینها می‌توانند خصوصی شوند. اگر خصوصی شدند دیگر آن قراردادهایی که منعقد می‌کنند شرکت‌هایی هستند که ۸۰ درصدشان خصوصی شده است.

■ **پس نگرانی‌های اخیر در مورد فعالیت‌های اقتصادی نیروهای مسلح هم از بین خواهد رفت؟**

پس ببینید به بند الف واقعاً کم‌توجهی شده است. یعنی من ندیدم رسانه‌ها روی آزادسازی اقتصادی که سال گذشته ابلاغ شد اطلاع‌رسانی کنند. بند الف زیربنای بند ج است که در قسمت دولتی، یکی اینکه فعالیت‌ها و بنگاه‌هایی که دولت خارج از اصل ۴۴ ایجاد کرده است

سال سوم ■ شماره ۸۱۰ شرق

ادامه از صفحه ۱۱

در عرصه اقتصاد پاسخ به این سؤال که دیگران چه برداشتی از هویت نظام اقتصادی ما دارند کار دشواری است و اطلاق کارکرد نظام اقتصادی مبتنی بر سازوکار بازار و یا اداره دستوری به آن کار ساده‌ای نیست. اصل ۴۴ قانون اساسی برای کسانی که براساس متون رسمی جهت‌گیری‌های اقتصادی ما را در عرصه اقتصاد مورد ارزیابی قرار می‌دادند هویتی را مبتنی بر غلبه نقش دولت ترسیم می‌کرد. سیاست‌های کلی اعلام شده از جانب مقام معظم رهبری در بندهای الف و ب و اینک بند ج، هم از نظر جهت‌گیری و هم از نظر ادبیات به کار گرفته شده، بسیار پیشرفته و متناسب با مقتضیات و شرایط اقتصاد کشور و ضرورت‌های رشد و توسعه آینده آن است. براساس این سیاست‌ها، آینده اقتصاد ایران در دست بخش خصوصی و تعاونی خواهد بود و دولت در جایگاه سیاست‌گذار قرار خواهد گرفت. ساختار مالکیت بنگاه‌های موجود به طور بنیادی دگرگون خواهد شد و نه تنها بنگاه‌های کوچک و متوسط، بلکه بنگاه‌های بسیار بزرگ نیز در بخش‌های صنعت و خدمات واگذار خواهند شد. فضای کلی و ادبیات سیاست‌های اعلام شده حکایت از توسعه بخش خصوصی و حرکت به سمت اقتصاد بازار دارد.

در حوزه‌ای دیگر از نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، مجلس محترم به طور همزمان در سمت و سوی متفاوت موضوع جیره‌بندی بنزین را در دستور کار دارد. ماحظور که می‌دانیم به جز کشورهایی که درگیر جنگ بوده‌اند، تنها کشورهای کمونیستی آن هم در دهه‌های دور به جیره‌بندی محصولات مختلف می‌پرداخته‌اند. در کشور ما نیز در دوران جنگ طرح سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و فراورده‌های نفتی به اجرا درآمد که پس از خاتمه جنگ به تدریج زندگی مصرفی مردم به شکل طبیعی بازگشت. اینک ۱۶ سال پس از خاتمه شرایط جنگی در کشور، این اولین اقدام مستقیم در جهت بازگشت به اقتصاد اداری در توزیع کالا است. لذا تصمیم مجلس محترم از این نظر حائز اهمیت بسیار است. اهمیت این تصمیم از دو جهت قابل توجه است. اول تحمیل کاهش یک‌باره ۴۰ درصدی به مصرف مردم که مسلماً یک شوک بزرگ به بهره‌مندی جامعه از خدمات حمل و نقل خواهد بود و دوم ارسال علامتی به آحاد اقتصادی در مورد نوع نگاه نمایندگان محترم مجلس به چگونگی حل مشکلات اقتصاد کشور. یک روز حتی افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی سالانه قیمت هم قابل پذیرش نبود و بنزین ارزانه به صورت سخاوتمندانه از محل حساب ذخیره ارزی در اختیار شهروندان قرار می‌گرفت و امروز کاملاً در سویی دیگر، تصمیم بر آن است که به یک‌باره تنها رشد بالای حدود ۱۰ درصدی مصرف که به خاطر ارزانی بیش از حد بنزین ایجاد شده است متوقف شود بلکه حدود ۲۰ درصد از مصرف موجود هم کاهش داده شود.

آن گونه که به نظر می‌رسد، در مقابل مصرف فراوان بنزین ارزان، تقریباً اعمال محدودیت مطلق در عرصه، آنگاه در ذهن تصمیم‌گیرندگان از رجحان برخوردار شده که حتی گزینه عرضه بنزین وارداتی به قیمت بین‌المللی در کنار عرضه جیره‌بندی شده بنزین داخلی که به طور کاملاً بدیهی نسبت به گزینه جیره‌بندی مطلق بنزین دارای رجحان بوده و متضمن حداقلی از حق انتخاب برای مصرف‌کننده است نیز به کنار گذاشته می‌شود.

در حوزه‌ای دیگر از نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، دولت محترم با ششای فراوان به امر مداخله در سازوکار بازار به فعالیت مشغول است. تسهیلات بانکی به سمت جیره‌بندی کامل پیش می‌رود. آن گونه که رئیس‌جمهور محترم اعلام کرده‌اند قرار است اعتبارات بانکی به تفکیک حتی شهرستان، با تشخیص مسئولین آن شهرستان در میان جوانان برای ایجاد شغل توزیع شود. نقش دولت در امر قیمت‌گذاری کالاها و خدمات تحت عنوان مبارزه با گرانی به سرعت در حال افزایش است و طرح تزیارت حکومتی در حال احیا است. رشد بسیار بالا و رو به افزایش حجم نقدینگی در کنار بودجه به شدت انبساطی همان گونه که بارها توضیح داده شد تورم‌زا است و تورم را به پخشنامه اداری و قاطعیت مدیریتی نشان توان کنترل کند.

حال باید دید آیا در چنین فضایی از اقتصاد که گروهی در حال تنظیم طرح جیره‌بندی بنزین‌اند و گروهی به توزیع اعتبارات و تعیین قیمت اشتغال دارند، چه اندازه می‌توان انتظار داشت که خصوصی سازی که در ابلاغیه پیام معظم رهبری به آن تأکید شده تحقق پیدا کند. باید بخش خصوصی در محدوده کوچک موجود تا چه اندازه احساس آرامش و رضایت دارد تا از آنجا بتوان فهمید که آیا می‌تواند به چنین و چند برابر ابعاد موجود گسترش یابد. خلاصه آنکه انتقال «ساختار مالکیت» یا اقدام ساده مکانیکی نیست بلکه تنها راهی که در نتیجه یک تحول در «ساختار انگیزشی» از اقتصاد اتفاق می‌افتد. زمانی که در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹، مقدمات خصوصی سازی در کشور فراهم می‌شد هنوز تجربه‌مدنی از این امر در جهان وجود نداشت. امروز انبوهی از تجربیات مدون در امر خصوصی سازی وجود دارد و ادبیات گسترده در این حوزه شکل گرفته است. بخشی

از این ادبیات گسترده به روش‌های مختلف خصوصی سازی و پیامدهای مترتب بر هر یک اختصاص دارد. اما در میان این حجم انبوه از ادبیات، از یک‌جمله در میان همه کسانی که در این زمینه تبحر کرده و یا کار عملی انجام داده‌اند مشترک است و آن اینکه آزادسازی بدون تدریج مقدم بر خصوصی سازی است. آزادسازی البته همان گونه که بارها گفته شده به معنی رهاسازی نیست بلکه تعریف و محدودیت‌های خاص خود را دارد. بخش خصوصی ابتدا «محیط اقتصاد» را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و بعد در مورد چگونگی به کارگیری سرمایه خود تصمیم می‌گیرد. هرچه محیط اقتصاد تنگ‌تر و محدودتر باشد سرمایه‌های بخش خصوصی در حوزه‌های دیگر و در جغرافیایی متفاوت فعال خواهد شد. تصمیم به خصوصی سازی در ابعاد اعلام شده هر چند بسیار مهم و تعیین‌کننده است اما یک شروع و شرط لازم تلقی می‌شود. شرط کافی در این موضوع شکل‌گیری انگیزه و اطمینان کافی در بخش خصوصی است. امروز اکثر سیاستمداران جهان این را به خوبی دریافته‌اند که سرمایه (اعم از سرمایه مالی یا انسانی) بسیار لطیف و زودرنج و لغزان است و باید با یک راه‌گشای رفتار کرد که دل‌آرزده نشود. ای کاش مجتمع محترم خوشحالش مصلحت که در تدوین سیاست‌های کلی نظام وارد حوزه‌های جزئی نیز شده، فصلی را هم به ترسیم «محیط کسب و کار مناسب برای تحقق اهداف چشم‌انداز» و به عنوان ضامن اجرای سیاست‌های کلی اعلام شده مربوط به اصل ۴۴ اختصاص می‌داد. مطمئناً پدیدها و بنیادهای آن فصل بسیار سرنوشت‌ساز می‌شد.

در عرصه اقتصاد پاسخ به این سؤال که دیگران چه برداشتی از هویت نظام اقتصادی ما دارند کار دشواری است و اطلاق کارکرد نظام اقتصادی مبتنی بر سازوکار بازار و یا اداره دستوری به آن کار ساده‌ای نیست. اصل ۴۴ قانون اساسی برای کسانی که براساس متون رسمی جهت‌گیری‌های اقتصادی ما را در عرصه اقتصاد مورد ارزیابی قرار می‌دادند هویتی را مبتنی بر غلبه نقش دولت ترسیم می‌کرد. سیاست‌های کلی اعلام شده از جانب مقام معظم رهبری در بندهای الف و ب و اینک بند ج، هم از نظر جهت‌گیری و هم از نظر ادبیات به کار گرفته شده، بسیار پیشرفته و متناسب با مقتضیات و شرایط اقتصاد کشور و ضرورت‌های رشد و توسعه آینده آن است. براساس این سیاست‌ها، آینده اقتصاد ایران در دست بخش خصوصی و تعاونی خواهد بود و دولت در جایگاه سیاست‌گذار قرار خواهد گرفت. ساختار مالکیت بنگاه‌های موجود به طور بنیادی دگرگون خواهد شد و نه تنها بنگاه‌های کوچک و متوسط، بلکه بنگاه‌های بسیار بزرگ نیز در بخش‌های صنعت و خدمات واگذار خواهند شد. فضای کلی و ادبیات سیاست‌های اعلام شده حکایت از توسعه بخش خصوصی و حرکت به سمت اقتصاد بازار دارد.

در حوزه‌ای دیگر از نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، مجلس محترم به طور همزمان در سمت و سوی متفاوت موضوع جیره‌بندی بنزین را در دستور کار دارد. ماحظور که می‌دانیم به جز کشورهایی که درگیر جنگ بوده‌اند، تنها کشورهای کمونیستی آن هم در دهه‌های دور به جیره‌بندی محصولات مختلف می‌پرداخته‌اند. در کشور ما نیز در دوران جنگ طرح سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و فراورده‌های نفتی به اجرا درآمد که پس از خاتمه جنگ به تدریج زندگی مصرفی مردم به شکل طبیعی بازگشت. اینک ۱۶ سال پس از خاتمه شرایط جنگی در کشور، این اولین اقدام مستقیم در جهت بازگشت به اقتصاد اداری در توزیع کالا است. لذا تصمیم مجلس محترم از این نظر حائز اهمیت بسیار است. اهمیت این تصمیم از دو جهت قابل توجه است. اول تحمیل کاهش یک‌باره ۴۰ درصدی به مصرف مردم که مسلماً یک شوک بزرگ به بهره‌مندی جامعه از خدمات حمل و نقل خواهد بود و دوم ارسال علامتی به آحاد اقتصادی در مورد نوع نگاه نمایندگان محترم مجلس به چگونگی حل مشکلات اقتصاد کشور. یک روز حتی افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی سالانه قیمت هم قابل پذیرش نبود و بنزین ارزانه به صورت سخاوتمندانه از محل حساب ذخیره ارزی در اختیار شهروندان قرار می‌گرفت و امروز کاملاً در سویی دیگر، تصمیم بر آن است که به یک‌باره تنها رشد بالای حدود ۱۰ درصدی مصرف که به خاطر ارزانی بیش از حد بنزین ایجاد شده است متوقف شود بلکه حدود ۲۰ درصد از مصرف موجود هم کاهش داده شود.

آن گونه که به نظر می‌رسد، در مقابل مصرف فراوان بنزین ارزان، تقریباً اعمال محدودیت مطلق در عرصه، آنگاه در ذهن تصمیم‌گیرندگان از رجحان برخوردار شده که حتی گزینه عرضه بنزین وارداتی به قیمت بین‌المللی در کنار عرضه جیره‌بندی شده بنزین داخلی که به طور کاملاً بدیهی نسبت به گزینه جیره‌بندی مطلق بنزین دارای رجحان بوده و متضمن حداقلی از حق انتخاب برای مصرف‌کننده است نیز به کنار گذاشته می‌شود.

در حوزه‌ای دیگر از نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، دولت محترم با ششای فراوان به امر مداخله در سازوکار بازار به فعالیت مشغول است. تسهیلات بانکی به سمت جیره‌بندی کامل پیش می‌رود. آن گونه که رئیس‌جمهور محترم اعلام کرده‌اند قرار است اعتبارات بانکی به تفکیک حتی شهرستان، با تشخیص مسئولین آن شهرستان در میان جوانان برای ایجاد شغل توزیع شود. نقش دولت در امر قیمت‌گذاری کالاها و خدمات تحت عنوان مبارزه با گرانی به سرعت در حال افزایش است و طرح تزیارت حکومتی در حال احیا است. رشد بسیار بالا و رو به افزایش حجم نقدینگی در کنار بودجه به شدت انبساطی همان گونه که بارها توضیح داده شد تورم‌زا است و تورم را به پخشنامه اداری و قاطعیت مدیریتی نشان توان کنترل کند.

حال باید دید آیا در چنین فضایی از اقتصاد که گروهی در حال تنظیم طرح جیره‌بندی بنزین‌اند و گروهی به توزیع اعتبارات و تعیین قیمت اشتغال دارند، چه اندازه می‌توان انتظار داشت که خصوصی سازی که در ابلاغیه پیام معظم رهبری به آن تأکید شده تحقق پیدا کند. باید بخش خصوصی در محدوده کوچک موجود تا چه اندازه احساس آرامش و رضایت دارد تا از آنجا بتوان فهمید که آیا می‌تواند به چنین و چند برابر ابعاد موجود گسترش یابد. خلاصه آنکه انتقال «ساختار مالکیت» یا اقدام ساده مکانیکی نیست بلکه تنها راهی که در نتیجه یک تحول در «ساختار انگیزشی» از اقتصاد اتفاق می‌افتد. زمانی که در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹، مقدمات خصوصی سازی در کشور فراهم می‌شد هنوز تجربه‌مدنی از این امر در جهان وجود نداشت. امروز انبوهی از تجربیات مدون در امر خصوصی سازی وجود دارد و ادبیات گسترده در این حوزه شکل گرفته است. بخشی

از این ادبیات گسترده به روش‌های مختلف خصوصی سازی و پیامدهای مترتب بر هر یک اختصاص دارد. اما در میان این حجم انبوه از ادبیات، از یک‌جمله در میان همه کسانی که در این زمینه تبحر کرده و یا کار عملی انجام داده‌اند مشترک است و آن اینکه آزادسازی بدون تدریج مقدم بر خصوصی سازی است. آزادسازی البته همان گونه که بارها گفته شده به معنی رهاسازی نیست بلکه تعریف و محدودیت‌های خاص خود را دارد. بخش خصوصی ابتدا «محیط اقتصاد» را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و بعد در مورد چگونگی به کارگیری سرمایه خود تصمیم می‌گیرد. هرچه محیط اقتصاد تنگ‌تر و محدودتر باشد سرمایه‌های بخش خصوصی در حوزه‌های دیگر و در جغرافیایی متفاوت فعال خواهد شد. تصمیم به خصوصی سازی در ابعاد اعلام شده هر چند بسیار مهم و تعیین‌کننده است اما یک شروع و شرط لازم تلقی می‌شود. شرط کافی در این موضوع شکل‌گیری انگیزه و اطمینان کافی در بخش خصوصی است. امروز اکثر سیاستمداران جهان این را به خوبی دریافته‌اند که سرمایه (اعم از سرمایه مالی یا انسانی) بسیار لطیف و زودرنج و لغزان است و باید با یک راه‌گشای رفتار کرد که دل‌آرزده نشود. ای کاش مجتمع محترم خوشحالش مصلحت که در تدوین سیاست‌های کلی نظام وارد حوزه‌های جزئی نیز شده، فصلی را هم به ترسیم «محیط کسب و کار مناسب برای تحقق اهداف چشم‌انداز» و به عنوان ضامن اجرای سیاست‌های کلی اعلام شده مربوط به اصل ۴۴ اختصاص می‌داد. مطمئناً پدیدها و بنیادهای آن فصل بسیار سرنوشت‌ساز می‌شد.

در عرصه اقتصاد پاسخ به این سؤال که دیگران چه برداشتی از هویت نظام اقتصادی ما دارند کار دشواری است و اطلاق کارکرد نظام اقتصادی مبتنی بر سازوکار بازار و یا اداره دستوری به آن کار ساده‌ای نیست. اصل ۴۴ قانون اساسی برای کسانی که براساس متون رسمی جهت‌گیری‌های اقتصادی ما را در عرصه اقتصاد مورد ارزیابی قرار می‌دادند هویتی را مبتنی بر غلبه نقش دولت ترسیم می‌کرد. سیاست‌های کلی اعلام شده از جانب مقام معظم رهبری در بندهای الف و ب و اینک بند ج، هم از نظر جهت‌گیری و هم از نظر ادبیات به کار گرفته شده، بسیار پیشرفته و متناسب با مقتضیات و شرایط اقتصاد کشور و ضرورت‌های رشد و توسعه آینده آن است. براساس این سیاست‌ها، آینده اقتصاد ایران در دست بخش خصوصی و تعاونی خواهد بود و دولت در جایگاه سیاست‌گذار قرار خواهد گرفت. ساختار مالکیت بنگاه‌های موجود به طور بنیادی دگرگون خواهد شد و نه تنها بنگاه‌های کوچک و متوسط، بلکه بنگاه‌های بسیار بزرگ نیز در بخش‌های صنعت و خدمات واگذار خواهند شد. فضای کلی و ادبیات سیاست‌های اعلام شده حکایت از توسعه بخش خصوصی و حرکت به سمت اقتصاد بازار دارد.

در حوزه‌ای دیگر از نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، مجلس محترم به طور همزمان در سمت و سوی متفاوت موضوع جیره‌بندی بنزین را در دستور کار دارد. ماحظور که می‌دانیم به جز کشورهایی که درگیر جنگ بوده‌اند، تنها کشورهای کمونیستی آن هم در دهه‌های دور به جیره‌بندی محصولات مختلف می‌پرداخته‌اند. در کشور ما نیز در دوران جنگ طرح سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و فراورده‌های نفتی به اجرا درآمد که پس از خاتمه جنگ به تدریج زندگی مصرفی مردم به شکل طبیعی بازگشت. اینک ۱۶ سال پس از خاتمه شرایط جنگی در کشور، این اولین اقدام مستقیم در جهت بازگشت به اقتصاد اداری در توزیع کالا است. لذا تصمیم مجلس محترم از این نظر حائز اهمیت بسیار است. اهمیت این تصمیم از دو جهت قابل توجه است. اول تحمیل کاهش یک‌باره ۴۰ درصدی به مصرف مردم که مسلماً یک شوک بزرگ به بهره‌مندی جامعه از خدمات حمل و نقل خواهد بود و دوم ارسال علامتی به آحاد اقتصادی در مورد نوع نگاه نمایندگان محترم مجلس به چگونگی حل مشکلات اقتصاد کشور. یک روز حتی افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی سالانه قیمت هم قابل پذیرش نبود و بنزین ارزانه به صورت سخاوتمندانه از محل حساب ذخیره ارزی در اختیار شهروندان قرار می‌گرفت و امروز کاملاً در سویی دیگر، تصمیم بر آن است که به یک‌باره تنها رشد بالای حدود ۱۰ درصدی مصرف که به خاطر ارزانی بیش از حد بنزین ایجاد شده است متوقف شود بلکه حدود ۲۰ درصد از مصرف موجود هم کاهش داده شود.

آن گونه که به نظر می‌رسد، در مقابل مصرف فراوان بنزین ارزان، تقریباً اعمال محدودیت مطلق در عرصه، آنگاه در ذهن تصمیم‌گیرندگان از رجحان برخوردار شده که حتی گزینه عرضه بنزین وارداتی به قیمت بین‌المللی در کنار عرضه جیره‌بندی شده بنزین داخلی که به طور کاملاً بدیهی نسبت به گزینه جیره‌بندی مطلق بنزین دارای رجحان بوده و متضمن حداقلی از حق انتخاب برای مصرف‌کننده است نیز به کنار گذاشته می‌شود.

در حوزه‌ای دیگر از نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، دولت محترم با ششای فراوان به امر مداخله در سازوکار بازار به فعالیت مشغول است. تسهیلات بانکی به سمت جیره‌بندی کامل پیش می‌رود. آن گونه که رئیس‌جمهور محترم اعلام کرده‌اند قرار است اعتبارات بانکی به تفکیک حتی شهرستان، با تشخیص مسئولین آن شهرستان در میان جوانان برای ایجاد شغل توزیع شود. نقش دولت در امر قیمت‌گذاری کالاها و خدمات تحت عنوان مبارزه با گرانی به سرعت در حال افزایش است و طرح تزیارت حکومتی در حال احیا است. رشد بسیار بالا و رو به افزایش حجم نقدینگی در کنار بودجه به شدت انبساطی همان گونه که بارها توضیح داده شد تورم‌زا است و تورم را به پخشنامه اداری و قاطعیت مدیریتی نشان توان کنترل کند.

حال باید دید آیا در چنین فضایی از اقتصاد که گروهی در حال تنظیم طرح جیره‌بندی بنزین‌اند و گروهی به توزیع اعتبارات و تعیین قیمت اشتغال دارند، چه اندازه می‌توان انتظار داشت که خصوصی سازی که در ابلاغیه پیام معظم رهبری به آن تأکید شده تحقق پیدا کند. باید بخش خصوصی در محدوده کوچک موجود تا چه اندازه احساس آرامش و رضایت دارد تا از آنجا بتوان فهمید که آیا می‌تواند به چنین و چند برابر ابعاد موجود گسترش یابد. خلاصه آنکه انتقال «ساختار مالکیت» یا اقدام ساده مکانیکی نیست بلکه تنها راهی که در نتیجه یک تحول در «ساختار انگیزشی» از اقتصاد اتفاق می‌افتد. زمانی که در سال‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹، مقدمات خصوصی سازی در کشور فراهم می‌شد هنوز تجربه‌مدنی از این امر در جهان وجود نداشت. امروز انبوهی از تجربیات مدون در امر خصوصی سازی وجود دارد و ادبیات گسترده در این حوزه شکل گرفته است. بخشی

از این ادبیات گسترده به روش‌های مختلف خصوصی سازی و پیامدهای مترتب بر هر یک اختصاص دارد. اما در میان این حجم انبوه از ادبیات، از یک‌جمله در میان همه کسانی که در این زمینه تبحر کرده و یا کار عملی انجام داده‌اند مشترک است و آن اینکه آزادسازی بدون تدریج مقدم بر خصوصی سازی است. آزادسازی البته همان گونه که بارها گفته شده به معنی رهاسازی نیست بلکه تعریف و محدودیت‌های خاص خود را دارد. بخش خصوصی ابتدا «محیط اقتصاد» را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و بعد در مورد چگونگی به کارگیری سرمایه خود تصمیم می‌گیرد. هرچه محیط اقتصاد تنگ‌تر و محدودتر باشد سرمایه‌های بخش خصوصی در حوزه‌های دیگر و در جغرافیایی متفاوت فعال خواهد شد. تصمیم به خصوصی سازی در ابعاد اعلام شده هر چند بسیار مهم و تعیین‌کننده است اما یک شروع و شرط لازم تلقی می‌شود. شرط کافی در این موضوع شکل‌گیری انگیزه و اطمینان کافی در بخش خصوصی است. امروز اکثر سیاستمداران جهان این را به خوبی دریافته‌اند که سرمایه (اعم از سرمایه مالی یا انسانی) بسیار لطیف و زودرنج و لغزان است و باید با یک راه‌گشای رفتار کرد که دل‌آرزده نشود. ای کاش مجتمع محترم خوشحالش مصلحت که در تدوین سیاست‌های کلی نظام وارد حوزه‌های جزئی نیز شده، فصلی را هم به ترسیم «محیط کسب و کار مناسب برای تحقق اهداف چشم‌انداز» و به عنوان ضامن اجرای سیاست‌های کلی اعلام شده مربوط به اصل ۴۴ اختصاص می‌داد. مطمئناً پدیدها و بنیادهای آن فصل بسیار سرنوشت‌ساز می‌شد.

در عرصه اقتصاد پاسخ به این سؤال که دیگران چه برداشتی از هویت نظام اقتصادی ما دارند کار دشواری است و اطلاق کارکرد نظام اقتصادی مبتنی بر سازوکار بازار و یا اداره دستوری به آن کار ساده‌ای نیست. اصل ۴۴ قانون اساسی برای کسانی که براساس متون رسمی جهت‌گیری‌های اقتصادی ما را در عرصه اقتصاد مورد ارزیابی قرار می‌دادند هویتی را مبتنی بر غلبه نقش دولت ترسیم می‌کرد. سیاست‌های کلی اعلام شده از جانب مقام معظم رهبری در بندهای الف و ب و اینک بند ج، هم از نظر جهت‌گیری و هم از نظر ادبیات به کار گرفته شده، بسیار پیشرفته و متناسب با مقتضیات و شرایط اقتصاد کشور و ضرورت‌های رشد و توسعه آینده آن است. براساس این سیاست‌ها، آینده اقتصاد ایران در دست بخش خصوصی و تعاونی خواهد بود و دولت در جایگاه سیاست‌گذار قرار خواهد گرفت. ساختار مالکیت بنگاه‌های موجود به طور بنیادی دگرگون خواهد شد و نه تنها بنگاه‌های کوچک و متوسط، بلکه بنگاه‌های بسیار بزرگ نیز در بخش‌های صنعت و خدمات واگذار خواهند شد. فضای کلی و ادبیات سیاست‌های اعلام شده حکایت از توسعه بخش خصوصی و حرکت به سمت اقتصاد بازار دارد.

در حوزه‌ای دیگر از نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، مجلس محترم به طور همزمان در سمت و سوی متفاوت موضوع جیره‌بندی بنزین را در دستور کار دارد. ماحظور که می‌دانیم به جز کشورهایی که درگیر جنگ بوده‌اند، تنها کشورهای کمونیستی آن هم در دهه‌های دور به جیره‌بندی محصولات مختلف می‌پرداخته‌اند. در کشور ما نیز در دوران جنگ طرح سهمیه‌بندی کالاهای اساسی و فراورده‌های نفتی به اجرا درآمد که پس از خاتمه جنگ به تدریج زندگی مصرفی مردم به شکل طبیعی بازگشت. اینک ۱۶ سال پس از خاتمه شرایط جنگی در کشور، این اولین اقدام مستقیم در جهت بازگشت به اقتصاد اداری در توزیع کالا است. لذا تصمیم مجلس محترم از این نظر حائز اهمیت بسیار است. اهمیت این تصمیم از دو جهت قابل توجه است. اول تحمیل کاهش یک‌باره ۴۰ درصدی به مصرف مردم که مسلماً یک شوک بزرگ به بهره‌مندی جامعه از خدمات حمل و نقل خواهد بود و دوم ارسال علامتی به آحاد اقتصادی در مورد نوع نگاه نمایندگان محترم مجلس به چگونگی حل مشکلات اقتصاد کشور. یک روز حتی افزایش ۱۰ تا ۲۰ درصدی سالانه قیمت هم قابل پذیرش نبود و بنزین ارزانه به صورت سخاوتمندانه از محل حساب ذخیره ارزی در اختیار شهروندان قرار می‌گرفت و امروز کاملاً در سویی دیگر، تصمیم بر آن است که به یک‌باره تنها رشد بالای حدود ۱۰ درصدی مصرف که به خاطر ارزانی بیش از حد بنزین ایجاد شده است متوقف شود بلکه حدود ۲۰ درصد از مصرف موجود هم کاهش داده شود.

آن گونه که به نظر می‌رسد، در مقابل مصرف فراوان بنزین ارزان، تقریباً اعمال محدودیت مطلق در عرصه، آنگاه در ذهن تصمیم‌گیرندگان از رجحان برخوردار شده که حتی گزینه عرضه بنزین وارداتی به قیمت بین‌المللی در کنار عرضه جیره‌بندی شده بنزین داخلی که به طور کاملاً بدیهی نسبت به گزینه جیره‌بندی مطلق بنزین دارای رجحان بوده و متضمن حداقلی از حق انتخاب برای مصرف‌کننده است نیز به کنار گذاشته می‌شود.

در حوزه‌ای دیگر از نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، دولت محترم با ششای فراوان به امر مداخله در سازوکار بازار به فعالیت مشغول است. تسهیلات بانکی به سمت جیره‌بندی کامل پیش می‌رود. آن گونه که رئیس‌جمهور محترم اعلام کرده‌اند قرار است اعتبارات بانکی به تفکیک حتی شهرستان، با تشخیص مسئولین آن شهرستان در میان جوانان برای ایجاد شغل توزیع شود. نقش دولت در امر قیمت‌گذاری کالاها و خدمات تحت عنوان مبارزه با گرانی به سرعت در حال افزایش است و طرح تزیارت حکومتی در حال احیا است. رشد بسیار بالا و رو به افزایش حجم نقدینگی در کنار بودجه به شدت انبساطی همان گونه که بارها توضیح داده شد تورم‌زا است و تورم را به پخشنامه اداری و قاطعیت مدیریتی نشان توان کنترل کند.

حال باید دید آیا در چنین فضایی از اقتصاد که گروهی در حال تنظیم طرح جیره‌بندی بنزین‌اند و گروهی به توزیع اعتبارات و تعیین قیمت اشتغال دارند، چه اندازه می‌توان انتظار داشت که خصوصی سازی که در ابلاغیه پیام معظم رهبری به آن تأکید شده تحقق پیدا کند. باید بخش خصوصی در محدوده کوچک موجود تا چه اندازه احساس آرامش و رضایت دارد تا از آنجا بتوان فهمید که آیا می‌تواند به چنین و چند برابر ابعاد موجود گسترش یابد. خلاصه آنکه انتقال «ساختار مالکیت» یا اقدام ساده مکانیکی نیست بلکه تنها راهی که در